

پیام آشکار وحدت ملی
واکنش چهره‌های سیاسی از آتش‌بسپیچیدگی منافع تنگه
طراحی نظام حقوقی جدید مبتنی بر منافع ایرانتهران؛ شهری که نشکست
روایتی از پایتخت در ۴۰ شبانه‌روز جنگ مداوم

چهارم رهبر شهید

مراسم چهلمین روز شهادت
آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای برگزار می‌شود

سرمقاله

اینترنت را باز کنید

درباره ضرورت اتصال به اینترنت جهانی
برای حفظ انسجام ملی و توجه بیشتر به مردم

اکبر منتجبی

سردبیر

آتش‌بس ۱۴ روزه و پذیرش شروط ایران برای آغاز مذاکرات، یک پیروزی راهبردی بود. هرچند ایران هزینه داد، اما با ایستادگی نیروهای مسلح از یک سو و مردم از سوی دیگر، توانستیم از یک جنگ تمام‌عیار با قدرت‌های نظامی جهان سربلند بیرون بیاییم. با این حال، همه چیز تمام نشده است. نه باید خوش‌خیال بود و نه باید بر طبل مخالفت با تصمیم‌های گرفته‌شده کوفت. سوی دیگر این جنگ مردم بودند که تترسیدند، و نادانند، فریب نخوردند و چه در خانه و چه در خیابان، در شهر و دیار خود ماندند و متجاوزان را تنها گذاشتند. اکنون چهل روز از قطع گسترده و مداوم اینترنت در بسیاری از مناطق ایران می‌گذرد؛ اتفاقی که از آغاز جنگ اجرایی شد. به جز معدودی، مردم عادی دسترسی آسان به اینترنت جهانی نداشتند و مجبور بودند با وی‌پی‌ان‌های گران‌قیمت و برای مدت کوتاه وصل شوند. نخستین و ملموس‌ترین آسیب این قطعی، بر پیکر اقتصاد خرد و معیشت خانوار وارد آمد. فراموش نکنیم که از دی‌ماه اینترنت قطع شده بود و پس از مدت کوتاهی باز شد، اما دوباره به دلیل جنگ بسته شد. در نتیجه، بیشتر کسب‌وکارهای آنلاین از فروشنده‌گان خرد در اینستاگرام گرفته تا پیک‌های موتور از چرخه درآمد حذف شدند. دانشجویانی که از طریق آموزش مجازی امرار معاش می‌کردند یا خانواده‌هایی که هزینه زندگی خود را با فروش محصولات خانگی یا صنایع‌دستی در اینترنت تأمین می‌نمودند، امروز با حساب‌های خالی از درآمد روبرویند.

عمیق‌تر از اقتصاد، پیکر فرهنگ و آگاهی مردمی و ملی آسیب دید و چراغش کم‌سو شد. رسانه‌های آنلاین مستقل و نیمه‌مستقل داخلی که در سال‌های اخیر نفس تازه‌ای به جامعه مدنی ایران دمیده بودند، با کاهش شدید مخاطب و درآمد مواجه شده‌اند. دوستی که مدیر یک سایت خبری است می‌گفت از پهن ماه نتوانسته حقوق کارکنانش را بدهد و حالا تصمیم گرفته سایت را تعطیل کند. وبسایت‌های خبری-تحلیلی، پادکست‌های فرهنگی، کانال‌های تخصصی در پیام‌رسان‌های داخلی و خارجی، همه در آستانه خاموشی دست و پا می‌زنند؛ زیرا نه خواننده‌های هست و نه شرکت حامی مالی. خوانندگان نیز خود در قفس قطعی اینترنت گرفتار آمده‌اند.

نتیجه آنچه امروز شاهدیم، انحصار روایت در قاب صداوسیماست. سازمانی که بی‌تردید کارکردهای ملی و اطلاع‌رسانی دارد، اما ذاتاً یک رسانه تک‌صدا و یک‌سویه است و عملکردش حتی در این جنگ و جنگ ۱۲ روزه پیشین اساساً قابل دفاع نبوده و نیست. وقتی صدا و روایت مردم از صحنه حذف شود، مخاطب به جای مشارکت در تولید معنا، صرفاً به شنیدن فراخوان‌ها و گزارش‌های از پیش تعیین‌شده محکوم می‌شود. در نبود روایت‌های مردمی، فضای ذهنی جامعه گرفتار دو روایت افراطی و متضاد می‌شود. روایت رسمی یکدست صداوسیما که به دلیل فقدان تقدیری، با واکنش‌های مخالف مردم روبرو می‌گردد، و روایت دشمنان در رسانه‌های معاند برون‌مرزی که آکنده از اغراق، دروغ‌پردازی و شایعه‌سازی سازمان‌یافته است. در این شکاف خطرناک، صدای واقعی مردم با همه تنوع، نقدهای مشروع و میهن‌دوستی‌شان گم می‌شود.

اکنون با آغاز آتش‌بس، لازم است نهادهای تصمیم‌گیر به این موضوع بیندیشند و دسترسی عمومی به اینترنت آزاد و پایدار را بازگردانند. صدای مردم باید شنیده شود، نه برای تقابل، بلکه برای تکمیل تصویر واقعیت ملی. قطع اینترنت ابزاری برای مدیریت مقطعی بحران‌هاست، اما هزینه آن، تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی و انسجام ملی است. پس اینترنت را در اولین قدم و بی‌درنگ باز کنید تا با این شیرینی، کام مردم نیز شیرین شود.

دوباره می‌سازیمت وطن

ایران و آمریکا پس از ۴۰ روز جنگ تمام‌عیار با آتش‌بسی که به ابتکار شه‌باز شریف، نخست‌وزیر پاکستان ارائه شده بود، موافقت کردند. شورای عالی امنیت ملی ایران با تأکید بر این که تقریباً تمامی اهداف جنگ، محقق شده در بیانیه خود آورد: مطابق تدبیر رهبر انقلاب، آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای تصمیم گرفته شد؛ ایران به مدت دو هفته، مذاکراتی را در اسلام‌آباد با طرف آمریکایی انجام دهد. پاکستان نیز به ایران اطلاع داد که طرف آمریکایی، اصول ایران را به‌عنوان مبنای مذاکرات پذیرفته است



پیروزی تمدن بر توحش



محمد قوچانی

عضو شورای مرکزی و رئیس کمیته سیاسی
جذب کارگران سازندگی ایران

۲. حکومت ایران را ساقط کند و ۳. نفت ایران را به جنگ آورد و ۴. تنگه هرمز را در اختیار بگیرد، اما فراتر از این چهار ناکامی سیاسی-نظامی در دو بیست و پنجاهمین سال کشور جوان آمریکا در قیاس با ۲۵۰۰ سال حیات دولت و ملت ایران و چند هزار سال فرهنگ و تمدن ایران مطلقاً شکست خورد:

۱. شکست اصلی آمریکا، ریاست جمهوری فردی خودشیفته است که در شب آتش‌بس در کنفرانس خبری خود به همه رؤسای جمهوری آمریکا قبل از خود توهین می‌کند و تفاوتی میان باراک اوباما و جورج بوش نمی‌گذارد. نفرت او از اوباما، تنها شبیه نژادپرستان سفیدپوست و بنیادگرایان صهیونیست است که اوباما را لکه سیاهی بر تاریخ ۲۵۰ ساله ایالات

متحده می‌دانند و مانند کوکلس کلان‌ها او را کاکاسیاه می‌خوانند. تکرار انتقاد ترامپ از برج‌ماد و ستایش خشمگینانه او از مذاکره‌کنندگان ایرانی که توانستند برجام را به آمریکا تحمیل کنند، نشانه اوج نفرت او از قدرت دیپلماسی ایران است که پس از شکست در میز مذاکره و ابراز تعجب از تسلیم‌ناپذیری ایرانیان در دیپلماسی (به اعتراف استیو ویتکاف) اکنون به تعجب او از مقاومت ایران در میدان بدل شده است. او فهمیده است که نه در مذاکره و نه در مبارزه نمی‌تواند ایران را تسلیم کند.

۲. ترامپ در تداوم دموکرات‌ستیزی خود حتی به نیویورک‌تایمز و cnn هم توهین کرد و برای یک رسانه خط و نشان کشید که او را تحت فشار می‌گذارد تا به منابع اطلاعاتی اش دست یابد، و این

ادامه در صفحه ۲



خبر

پیام آشکار وحدت ملی

واکنش مسئولان، نهادها و چهره‌های سیاسی به آتش‌بس دو هفته‌ای ایران و آمریکا



عاطفه شمس

گروه سیاسی

پس از ۴۰ روز درگیری، ایران و آمریکا در ساعات اولیه روز چهارشنبه با میانجی‌گری پاکستان بر سر یک آتش‌بس دو هفته‌ای و از سرگیری مذاکرات بر اساس پیشنهاد ۱۰ بندی ایران به توافق رسیدند؛ توافقی که به تأیید رئیس‌جمهور آمریکا و شورای عالی امنیت ملی ایران رسید و از ساعت ۳:۳۰ بامداد چهارشنبه ۱۹ فروردین (۸ آوریل ۲۰۲۶) اجرایی شد. در بیانیه شورای عالی امنیت ملی، این آتش‌بس نه پایان جنگ، بلکه نتیجه «یک پیروزی بزرگ» و پذیرش اصول اساسی ایران از سوی آمریکا توصیف شد. در ادامه، ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا نیز در بیانیه‌ای مشترک، تأکید کردند که ۴۰ روز مقاومت، حضور آگاهانه مردم و عملیات‌های کوبنده نیروهای مسلح، دشمن را ناچار به پذیرش شروط ایران کرده است. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی نیز در بیانیه‌ای، هرچند کوتاه‌تر، بر ضرورت حفظ وحدت ملی و پرهیز از تفرقه تأکید کرد.

نمره خون رهبر شهید و حضور مردم

اما پس از اعلام خبر آتش‌بس، در نخستین واکنش‌ها، مسعود پزشکیان تلاش کرد تصویری بیکارچه و امتداددار از این رویداد ارائه دهد. رئیس‌جمهور، آتش‌بس را «نمره خون رهبر شهید و دستاورد حضور همه مردم در صحنه» دانست و تأکید کرد که این همبستگی باید در همه عرصه‌ها تداوم یابد؛ از میدان دیپلماسی تا میدان دفاع، از خیابان تا عرصه خدمت‌رسانی. پزشکیان با تکرار مفهوم «کنار هم ماندن» عملاً این پیام را منتقل کرد که آتش‌بس یک نقطه پایان نیست، بلکه مرحله‌ای از یک مسیر مستمر است که در آن، پیوند میان میدان دیپلماسی همچنان حفظ می‌شود و پشتوانه اصلی آن، سرمایه اجتماعی و حضور مردمی است.

پس از او، محمدرضا عارف با ادبیاتی حماسی‌تر در شبکه ایکس به استقبال این توافق رفت. معاون اول رئیس‌جمهور در پیام کوتاه خود از «ورق خوردن تاریخ» و «آغاز عصر ایران» سخن گفت و آتش‌بس را نشانه‌ای از ظهور یک قطب جدید قدرت در جهان دانست. عارف اما در بیانیه‌ای مفصل‌تر، این نگاه را بسط داد و پیروزی در جنگ چهل‌روزه را «نمره مکتب خامنه‌ای» توصیف کرد. او تأکید کرد که این جنگ صرفاً یک موفقیت نظامی نبود، بلکه نقطه عطفی در تغییر معادلات راهبردی منطقه و جهان به شمار می‌آید. او تأکید کرد که حتی شهادت رهبری نیز نتها موجب خلل در ساختار قدرت نشده،

ادامه تیتریک

پیروزی تمدن بر توحش

تغییر استراتژی ترامپ از فروپاشی حکومت ایران به نابودی تمدن ایران با تهدیداتی مانند بازگرداندن

یکی از مؤسسان تمدن بشر (ایران) به عصر حجر، آبروی آمریکا را به عنوان مدعی دموکراسی‌سازی در جهان برد. حتی رئیس‌جمهوری مداخله‌جو چون جورج دبلیو بوش در تجاوز غیرقانونی به عراق از آمریکا، یک نقلی منجی ساخت که با مهارت در کمتر از یک ماه، دیکتاتوری صدام را به نوعی شبه‌دموکراسی بدل ساخت که در نهایت از استعمار جدید به استقلال نسبی رسیده است. اما ترامپ با تهدیداتی که خوی ویرانگر و غارتگرش را عیان می‌کرد از یک منجی به نوعی وحشی تزلزل کرد که حتی ترامپ‌ست‌ها را در ایران ناامید ساخت.

تجاوز به ایران با ترور شروع شد که فارغ از نتیجه آن، نوعی جنگ غافلگیرانه و فریبکارانه در میانه مذاکره بود. اما ناجوانمردی ترامپ به ترور به جای جنگ محدود نشد؛ او کودکان را در میناب و ملوانان را در اقیانوس هند با شنیع‌ترین عبارات مانند «سرگرم کننده بودن» به قتل رساند. به جز انسان‌ها با اقرار به نابودی پل کرج نشان داد که ضد تمدن و توسعه است و به شیوه مضحکی برای بزرگ‌نمایی اقدام نابخردانه‌اش اقرار کرد که آن پل، بزرگترین پل خاورمیانه در کشوری بود که او مدعی بود عقب مانده و توسعه‌نیافته است!

ترامپ، همه نظام بین‌الملل را به بسخره گرفت. نظامی که البته آن قدر استوار نیست که جلوی تجاوز را بگیرد اما به بی‌آبرویی امپریالیسم آمریکا هم نیست که ناتو این ابزار دست غرب را از دست داد، اروپا به عنوان مبدا و منشأ تمدن آمریکا را از خود ناراضی ساخت و ترس چین و روس از توان نظامی مطلق آمریکا را کم کرد. ترامپ در ایران به همان مقاومتی گرفتار آمد که پوتین در اوکراین، بلکه اوکراین با از دست دادن خاک خود موقعیت قطعا از



از خیابان تا مصله؛ پیامی فراتر از سوگ

جزئیات مراسم چهلم رهبر شهید انقلاب اعلام شد

گروه سیاسی: چهل روز از شهادت رهبر انقلاب، می‌گذرد. نهم اسفندماه در پی حمله‌ای هدفمند که از سوی دشمنان آمریکایی-صهیونی طراحی و اجرا شد، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر انقلاب به شهادت رسید؛ رخدادی که به سرعت به یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی و اجتماعی کشور در سال‌های اخیر تبدیل شد. روایت‌ها در آن روز، حکایت از حمله‌ای داشت که با طراحی دقیق دشمنان، قلب تپنده یک ملت را نشانه گرفته بود؛ حمله‌ای که نتها یک شخصیت، بلکه نماد یک مسیر، یک اندیشه و یک تاریخ را هدف قرار داد. اما همان‌گونه که در حافظه تاریخی این ملت ثبت شده، خون، پایان راه نیست؛ آغاز فصلی تازه است.

و اکنون، در آستانه چهلمین روز این رویداد، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در اطلاعیه‌ای برنامه مراسم چهلمین روز عروج رهبر شهید را اعلام و از تمامی اقشار ملت بزرگ ایران، دعوت کرد با حضوری حداکثری، صحنه‌ای دیگر از حماسه‌های ماندگار را رقم بزنند. بر همین اساس، شب گذشته، به‌عنوان شب چهلم، با برگزاری مراسم سوگواری در سراسر کشور به پایان رسید؛ مراسمی که بیشتر جنبه آیینی و مذهبی داشت و در میدان اصلی، مساجد و بقاع متبرکه برگزار شد. با این حال، تمرکز اصلی برنامه‌ها بر روزهای پنج‌شنبه و جمعه است؛ روزهایی که علاوه بر وجه مذهبی، دارای پیام‌های صریح سیاسی و اجتماعی نیز هستند.

بر اساس اعلام شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، روز پنج‌شنبه از ساعت ۹ صبح، حرکت دسته‌جات عزاداری و هیئات مذهبی از میدان جمهوری اسلامی تهران به سمت محل شهادت رهبر انقلاب در خیابان جمهوری در دستور کار قرار دارد. در ادامه، روز جمعه پیش از اقامه نماز جمعه، مراسم سراسری بزرگداشت در مصلاهای کشور برگزار خواهد شد. این برنامه‌ها شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی از جمله تلاوت قرآن، قرائت دعا، قرائت «عهدنامه با امام شهید»، اجرای سرود و سخنرانی است. یکی از محورهای قابل توجه در این ایام نیز برپایی روضه‌های خانگی و اجرای برنامه‌هایی مانند ختم سوره فتح است.

اما در بررسی کلی این مراسم‌ها، آنچه بیش از هر چیز به چشم می‌آید، هم‌زمانی دو کارکرد متفاوت اما مکمل است؛ از یک سو، سطح آیینی و مذهبی که بر سنت‌های رایج بزرگداشت استوار است؛ و از سوی دیگر، سطح سیاسی و اجتماعی که به این مناسبت معنایی فراتر از یک مراسم سوگواری می‌بخشد و تلاش دارد این مناسبت را به نمایش انسجام ملی و پاسخ به تهدیدات خارجی تبدیل کند. به نظر می‌رسد تمرکز اصلی در روزهای پنج‌شنبه و جمعه، بر همین کارکرد دوم باشد؛ جایی که حضور میدانی مردم و برگزاری تجمعات گسترده، به‌عنوان شاخصی از وضعیت افکار عمومی و میزان همبستگی اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد و می‌تواند حامل پیام‌هایی فراتر از یک مراسم معمول باشد.

پذیرش شروط ۱۰گانه ایران شرط اساسی هرگونه توافق نهایی است و اگر این شروط محقق نشود، اعضای در کار نخواهد بود. نیکزاد همچنین با اشاره به تنگه هرمز، اعلام کرد که «این آبراه به شرایط قبل بازمی‌گردد». هم‌سوا با این رویکرد، علیرضا سلیمی، عضو هیات رئیسه مجلس نیز بر نقش تعیین‌کننده مردم و نیروهای مسلح در تحمیل شروط ایران تأکید کرد. او در عین حال تأکید کرد که این آتش‌بس به معنای پایان جنگ نیست و در صورت عدم پایبندی طرف مقابل، ایران همچنان آماده ادامه مسیر تقابل است.

اما در میان رسانه‌ها، روزنامه کیهان در ابتدا با نگاهی انتقادی به آتش‌بس نگرینست و آن را بالقوه «فرصت نفس‌گیری برای دشمن» دانست و بر ادامه فشار و مقاومت تأکید کرد. با این حال، پس از اعلام پذیرش شروط ایران از سوی آمریکا، این آتش‌بس را یک «پیروزی بزرگ» توصیف کرد، هرچند همچنان بر بی‌اعتمادی به طرف مقابل و ضرورت هوشیاری تأکید داشت.

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت واکنش‌های داخلی به آتش‌بس در سه سطح مکمل شکل گرفته است. نخست، سطح سیاسی و اجرایی که بر روایت پیروزی و تداوم مسیر تأکید دارد؛ دوم، سطح پارلمانی و رسانه‌ای که در کنار پذیرش پیروزی، بر احتیاط و بی‌اعتمادی تأکید می‌کند و سوم، سطح نظامی و نهادی که آتش‌بس را نتیجه مستقیم برتری در میدان می‌داند و نقطه مشترک همه این سطوح، تأکید بر نقش مردم، استمرار آمادگی و نگاه به آتش‌بس به‌عنوان مرحله‌ای از یک روند بلندمدت است.

بلکه به افزایش انسجام و پایداری نظام انجامیده است. سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی هم در گفت‌وگو با رسانه‌ها، ایستادگی مردم و نقش نیروهای مسلح ایران در بحران اخیر را قابل تحسین دانست و گفت که «دستان نیروهای مسلح را باید بوسید». او معتقد است قدرت دفاعی کشور، همراه با تدبیر دیپلماتیک دولت، باعث شد آمریکا و متحدانش به جای خشونت، به آتش‌بس تن دهند. مرعشی، ایران را به‌عنوان قدرت چهارم جهان و قدرت اول خاورمیانه معرفی کرد و تصریح کرد که مقاومت مردم مانع تحقق اهداف دشمنان شد. او همچنین بر ضرورت بازسازی کشور و تثبیت جایگاه ایران در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای پس از بحران تأکید کرد. در ادامه، مصطفی پورمحمدی، قائم مقام پیشین وزارت اطلاعات با رویکردی محتاطانه‌تر به موضوع پرداخت. او نسبت به «مکر دشمن» هشدار داد و بر حفظ هوشیاری و بر اینکه «میدان و خیابان را رها نکنیم» تأکید کرد. علی اکبر ولایتی، مشاور بین‌الملل رهبر انقلاب و عضو سابق مجلس خبرگان نیز در شبکه ایکس با تأکید بر اهمیت جایگاه دیپلماسی ایران پس از آتش‌بس، اظهار داشت که پیروزی ایران تنها در میدان نظامی محقق نشده بلکه باید در عرصه بین‌المللی نیز تثبیت شود. وی بر استفاده از مذاکرات اسلام‌آباد برای تقویت دستاوردهای میدانی و تثبیت شرایط منطقه‌ای تأکید کرد.

تثبیت شروط ایران و نگاه راهبردی به تنگه هرمز

در سطح پارلمانی، علی نیکزاد، نایب رئیس مجلس تأکید کرد که

ایران در مبارزه با روسیه ناکام تر بوده است. البته در این بی‌اعتباری نظام بین‌الملل همدستی ژانسون اترژی اتمی و بی‌خاصیتی سازمان ملل متحد، کمتر از تجاوزگری ترامپ و نتانیاهو به نظام بین‌الملل آسیب زد. جهان پس از جنگ جهانی دوم در تجاوزات مکرر از ویتنام تا عراق و از پاناما تا ونزویلا هرگز عادلانه نبوده است و آرمان‌های حقوق بین‌الملل در مسلخ سیاست بین‌الملل همواره قربانی شده است. اما جهان، هرگز رهبری بی‌توجه به بدیهی‌ترین معیارهای حقوق بین‌الملل مانند ترامپ را به خود ندیده است!

در نقطه مقابل ترامپ ملتی قرار داشت که دولت‌های آن در ۲۰۰ سال گذشته به هیچ کشوری حمله نکردند. روس و انگلیس و آمریکا به آن تجاوز کردند و کودتا علیه آزادی و استقلال آن نقش داشتند و از دیکتاتوری مانند صدام در تجاوز به ایران حمایت کردند که بعد خود مجبور به سرنگونی‌اش شدند. ملت-دولتی که با داعش جنگید و طالبان قبل از آنکه آمریکا به جرم حمایت از القاعده سرنگون‌شان سازد، ایرانیان را دشمن می‌شمردند و به قتل می‌رساندند. رویارویی با این ملت-دولت حتی اگر ترامپ آن را به سبب حمایت از حزب‌الله و انصارالله و حماس و... به دشمنی با غرب متهم سازد هم نتوانست متحدان اروپایی ترامپ در به‌خصوص انگلیس و نیز فرانسه و آلمان و ایتالیا و اسپانیا و حتی پاپ را به ایران ستیزی وادارد. در منطق آمریکا دشمنانش مانند آلمان و شوروی به‌عنوان حکومت‌های ایدئولوژیک از پیش محکوم هستند و تجاوز به آنها از پیش مشروع است اما ناکامی ترامپ در ایجاد اجماع علیه ایران نشان داد و چوه تمدنی و فرهنگی ملت ایران بر وجه ایدئولوژیک حاکمیت آن مقدم است و البته آمریکا تمایز اساسی اسلام به عنوان یک دین فراتر از ایدئولوژی را با ایدئولوژی‌های اروپایی را هنوز درک نکرده است.

ترامپ از تمدن ایران شکست خورد. تمدنی که اکنون بیش از هر زمان دیگر ژئوپلتیک‌اش آن را جوادان و شکست‌ناپذیر ساخته است. قرار گرفتن ایران در قلب جهان، وسعت جغرافیایی و تنوع فرهنگی و دسترسی‌های مواصلاتی آن به آب و خاک و آسمان، ضعف‌های فناوری و امنیتی و ضدجاسوسی‌اش را جبران می‌کند و اگر تا دیروز، تمامیت ارضی و وحدت سرزمینی این کشور در قیاس با شیخ‌نشین‌ها و امیرنشین‌های مصنوعی و استیجاری که حتی خرید امنیت از آمریکا توانست روین‌ن‌شان سازد و حتی در قیاس با ملت-دولت‌های ساخته شده در معاهده ساکس-پیکو، نشان داد که کشور بودن یک کشور چه قدر مهم است. به وجود سقوط سوریه و ساقط کردن غزه و نیمه جانی لبنان و نقص عراق در اعمال حاکمیت ملی خود، جنگ ۴۰ روزه نشان داد عمق راهبردی ایران در جغرافیا و تاریخ آن است که محصول تداوم تاریخی این سرزمین به عنوان یک میهن است. امروز خلیج فارس بیش از هر زمان دیگر به خلیج ایران بدل شده است و نسل جدید به روشنی دریافته است که چرا پاسداری از این نام، فقط یک اقدام نمادین ناسیونالیستی نیست. یک مقاومت مدنی و تمدنی است که نتیجه مادی و عینی و وجودی دارد. همان چیزی که ترامپ آن را نادیده گرفت. ما در جنگ ۴۰ روزه با همه تمدن‌مان در برابر همه توحش‌های استادی. تمدن در جنگ خلاصه نمی‌شود. اینکه در این جنگ، سربازان ایران مبارزه کردند، سیاستمداران ایران مذاکره کردند، شهروندان ایران زندگی کردند، یک مبارزه مدنی و ملی و اخلاقی بود که از ادعای نابودی آمریکا بزرگتر است. اتفاقاً فضیلت اخلاقی ما در این است که برخلاف ترامپ، خواهان نابودی هیچ ملت و دولت و تمدنی حتی آمریکا نباشیم. ما فقط از موجودیت خود صیانت می‌کنیم. ما پیش از پیروزی در جنگ، توانستیم بر جنگ پیروز شویم...



دیدار در پاکستان

اسلام آباد میزبان گفت‌وگوهای ایران - آمریکا شد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

پس از ۴۰ روز جنگ بی‌امان میان ایران از یک سو و آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر، سرانجام در بامداد چهارشنبه، نفس‌ها در منطقه حبس شد و خبری که کمتر کسی انتظارش را می‌کشید، از راه رسید: طرفین با پیشنهاد شهپاز شریف نخست وزیر پاکستان به توافق آتش‌بس دو هفته‌ای دست یافتند. این پایان درگیری نبود، اما امیدی تازه در دل خسته‌ی منطقه دمید. پاکستان که در کنار چین، نقشی تعیین‌کننده در این روند ایفا کرد، از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، خواست تا ضرب‌الاجل نظامی خود را دو هفته تمدید کند. در مقابل، ایران نیز پذیرفت که در این مدت آتش‌بس را محترم بشمارد و تنگه هرمز را که در طول جنگ به روی تردهای بین‌المللی بسته بود، بازگشایی کند. اما این آتش‌بس به سادگی به دست نیامده بود. بر اساس بیانی‌های دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی ایران، مذاکرات رسمی با آمریکا از روز جمعه ۲۱ فروردین در اسلام‌آباد آغاز خواهد شد؛ مذاکراتی که با بی‌اعتمادی کامل به طرف آمریکایی پیش خواهد رفت و ایران حداکثر دو هفته برای آن زمان تعیین کرده است. درست از همین نقطه بود که نقشه‌ی راه صلح، هرچند شکننده، ترسیم شد. جمهوری اسلامی ایران اما بدون پشتوانه پای میز مذاکره نمی‌رفت. تهران ده شرط قاطع را برای از سرگیری هرگونه گفت‌وگو ارائه کرد: عدم تجاوز مجدد، استمرار کنترل ایران بر تنگه هرمز، پذیرش حق غنی‌سازی ایران، رفع همه تحریم‌های اولیه، رفع همه تحریم‌های ثانویه، خاتمه تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، خاتمه تمامی قطعنامه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پرداخت خسارت‌های جنگی به ایران، خروج تمام نیروهای رزمی آمریکا از منطقه، و در نهایت توقف جنگ در همه جبهه‌ها از جمله علیه مقاومت اسلامی لبنان. این ده شرط، خطوط قرمز تهران را به وضوح نشان می‌داد. در سوی دیگر، ترامپ که همواره به زبان تهدید و قدرت سخن گفته بود، این بار در پستی در شبکه اجتماعی خود لحنی متفاوت را برگزید. او اعلام کرد با آتش‌بس دو هفته‌ای و توقف تجاوزات نظامی علیه ایران موافقت کرده است. ترامپ در پست خود نوشت: «بر اساس گفت‌وگوهایی که با شهپاز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، و فیلد مارشال عاصم منیر، فرمانده ارتش این کشور، داشتم، و با توجه به درخواست آن‌ها مبنی بر اینکه از ارسال نیروی ویرانگری که امشب به سوی ایران گسیل می‌شد خودداری کنم، و مشروط به موافقت جمهوری اسلامی ایران با بازگشایی کامل، فوری و ایمن تنگه هرمز، من با تعلیق بمباران و حمله به ایران به مدت دو هفته موافقت می‌کنم. این یک آتش‌بس دو طرفه خواهد بود.» او با قاطعیت ادعا کرد که آمریکا پیش از این به تمام اهداف نظامی خود دست یافته و حتی از آن‌ها فراتر رفته است، اما در ادامه راه را برای دیپلماسی باز گذاشت: «ما یک پیشنهاد ده

دیپلماسی

وتوی قطعنامه ضدایرانی

تلاش بحرین در شورای امنیت ناکام ماند

گروه بین‌الملل: نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد شامگاه سه‌شنبه ۱۸ فروردین‌ماه با هدف بررسی و رأی‌گیری درباره قطعنامه پیشنهادی بحرین علیه ایران برگزار شد. بر اساس متن نهایی این قطعنامه، عبارت بحث‌برانگیز «تاممی ابزارهای لازم» که به‌نوعی مجوز استفاده از زور تلقی می‌شود، به‌دلیل مخالفت چین و روسیه حذف شد. در عوض، متن قطعنامه صرفاً بر هماهنگی دفاعی برای اسکورت کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز تأکید داشت. نماینده بحرین که ریاست این نشست را نیز بر عهده داشت، اعلام کرد این پیش‌نویس با هدف تأمین امنیت دریانوردی در خلیج فارس به شورای امنیت ارائه شده است. همزمان، عبداللطیف بن راشد الزیانی، وزیر امور خارجه بحرین، در سخنرانی خود مدعی شد که ایران «حق» برای بستن تنگه هرمز ندارد. الزیانی پیش از رأی‌گیری اظهار داشت



ماده‌ای از ایران دریافت کرده‌ایم و معتقدیم که این پیشنهاد پایه قابل اجرا برای مذاکره است. تقریباً تمام نکات اختلافی گذشته بین ایالات متحده و ایران مورد توافق قرار گرفته است.» با این حال، ترامپ در یک موضع‌گیری دیگر، لحن تهدیدآمیز همیشگی خود را فراموش نکرد و هشدار داد که اگر توافقی با ایران حاصل نشود، به جنگ باز خواهد گشت.

ترامپ همچنین در پستی دیگر نوشت: ایالات متحده با ایران همکاری نزدیک خواهد کرد، چرا که ما تشخیص داده‌ایم ایران به تغییر رژیم بسیار سازنده دست یافته است! هیچ غنی‌سازی اورانیومی انجام نخواهد شد، و ایالات متحده با همکاری ایران، تمام «گردوغبار» هسته‌ای که عمیقاً دفن شده (با بمب‌افکن‌های B-۲) را حفر و خارج خواهد کرد. این مواد از زمان حمله تانکون، و هم‌اکنون نیز، تحت نظارت دقیقی از طریق ماهواره (نیروی فضایی ۱) بوده است و دست‌نخورده باقی مانده است. ما در حال حاضر، و در آینده، درباره تعرفه‌ها و لغو تحریم‌ها با ایران گفتگو خواهیم کرد. بسیاری از ۱۵ بند پیشنهادی قبلاً مورد توافق قرار گرفته‌اند. وی در عین حال تهدید کرد: هر کشوری که برای ایران تسلیحات نظامی تأمین کند، فوراً مشمول تعرفه ۵۰٪ بر هرگونه کالای فروخته‌شده به ایالات متحده آمریکا خواهد شد. این اقدام بلافاصله اجرایی می‌شود.

ونس و قالیباغ روسای تیم مذاکرات؟

اما در آستانه برگزاری مذاکرات، ترکیب تیم‌های مذاکره‌کننده نیز خود به یک خبر مهم تبدیل شد. خبرگزاری ایسنا خبر داد ریاست تیم ایرانی بر عهده محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، گذاشته شده است؛ شخصیتی که در طول ۳۹ روز جنگ، به عنوان یکی از ارشدترین مقامات ایران، نقش کلیدی در هدایت دیپلماسی حساس جنگی ایفا کرده بود. خبرگزاری تسنیم نیز بلافاصله این خبر را به نقل از منابع آگاه تکذیب کرد که یعنی هنوز تصمیمی در این خصوص گرفته نشده است. اما آنچه مشخص شد این است که در سوی مقابل، جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، سرپرستی هیأت آمریکایی را بر عهده گرفت. به نوشته سی‌ان‌ان، استیو وینکاف، فرستاده ویژه ترامپ، و جرد کوشنر، داماد و مشاور ارشد او، نیز در این مذاکرات حضور خواهند داشت. گفته می‌شود در آخرین لحظات پیش از اعلام آتش‌بس در بامداد سه‌شنبه، دو نفر دیگر نیز به جمع مذاکره‌کنندگان اضافه شده‌اند. ونس که از آغاز جنگ تا برقراری آتش‌بس، هدایت دیپلماسی با ایران را بر عهده داشت، در اظهاراتی صریح گفت: «ترامپ به من و تیم مذاکره‌کننده آمریکایی دستور داد که برای رسیدن به توافق، با حسن نیت به مذاکرات با ایران نزدیک شویم. اگر ایرانی‌ها با حسن نیت مذاکره نکنند، متوجه خواهند شد

حالا اما نگاه کارشناسان به دو هفته پیش رو دوخته شده است. آنها در ارزیابی‌های خود از ۳۹ روز جنگ تمحیلی می‌گویند که ایران نه تنها از نظر نظامی در برابر قدرتمندترین نیروی نظامی جهان ایستادگی کرد، بلکه موجودیت خود را از فروپاشی نجات داد، از برنامه هسته‌ای خود صیانت کرد و رعب و وحشت را به دل اسرائیل انداخت. همچنین ایران موفق شد تعهد به رفع تحریم‌ها را به دست آورد، بر تنگه هرمز مسلط بماند و اتحاد راهبردی خود با چین و روسیه را بیش از پیش عمیق کند. با این حال، همه چیز به تصمیمات دو هفته آینده بستگی دارد. اگر ایالات متحده بار دیگر مسیر جنگ را در پیش بگیرد، ایران بار دیگر آماده خواهد بود تا از موجودیت خود دفاع کند و مسیر پرهزینه‌ای را برای دشمنانش طرح‌ریزی کند.

تحلیل اقتصادی

پیچیدگی منافع تنگه

طراحی نظام حقوقی مبتنی بر منافع ایران در تنگه هرمز چگونه باید باشد؟

یاسر ملایی

پژوهشگر اقتصاد

همزمان با پذیرش آتش‌بس از سوی ایران و آمریکا و اسرائیل و پایان احتمالی جنگ، اخبار متعددی از طرف‌های درگیری درباره مذاکرات سیاسی برای کاهش تنش مخابره می‌شود. در این زمینه به نظر می‌رسد مهم‌ترین عنصر در این توافق احتمالی، سرنوشت تنگه‌ی هرمز خواهد بود. وضعیت آینده تنگه هرمز به تنهایی معزف پیروزی یا شکست هریک از طرف‌هاست و به نظر من، سرنوشت ایران برای دهه‌های آینده، وابسته به امتیازاتی است که برای خود از تنگه هرمز حفظ خواهد کرد. ممکن است مذاکره‌کنندگان ایرانی در این زمان محدود به ابعاد مختلف این موضوع توجه نداشته باشند؛ لذا، چند نکته را برای بازکردن باب گفت‌وگو طرح می‌کنم.

مسئله فقط تنگه هرمز نیست، بلکه موضوع مذاکره باید بازتعریف انتفاع ایران از منافع اقتصادی «شبه‌جزیره» مبتنی بر موازنه‌ی جدید قدرتی باشد که در پس این جنگ برقرار می‌شود. از قبل هم مسیرهای جایگزین تنگه‌ی هرمز از طریق بندر فجیره در امارات و بندر بنبع در عربستان برای کاهش وابستگی شبه‌جزیره به این تنگه ایجاد شده بود و عراق نیز مسیرهای سنتی برای انتقال نفت از طریق سوریه به مدیترانه داشت و در حال احیای آن است. لذا، فروکاستن دست‌آورد راهبردی ایران به کنترل تنگه هرمز، ظرف چند سال منجر به توسعه مسیرهای جایگزین و کاهش اهمیت راهبردی تنگه هرمز خواهد شد. نیویورک‌تایمز به نقل از مقامات ایرانی نوشته، در مذاکرات جاری بحث بر سر «دریافت هزینه‌ای حدود ۲ میلیون دلار به ازای هر کشتی عبوری است که با عمان، همسایه آن سوی تنگه، تقسیم خواهد شد...». اگر این خیر درست باشد، با احتساب عبور حدود ۲۰ هزار کشتی در سال، درآمد سالانه‌ی حدود ۴۰ میلیارد دلار ایجاد می‌شود. منطق و میزان سهم‌بری عمان از این منبع برای من یک سؤال است. گذشته از آن، ارزش حقیقی و حتی اسمی این درآمد از محل تورم دلار و مسیرهای جایگزین تنگه هرمز که در بند قبل اشاره شد، در گذر زمان تهدید می‌شود. اما به نظر من، انتفاع اقتصادی ایران از این جنگ، نباید فقط به «عوارض عبور از تنگه» فروکاسته شود.

علاوه بر موضوع عوارض، ایران باید در قالب مذاکرات دو جانبه از خریداران محصولات تولیدی در شبه‌جزیره، امتیازاتی در حوزه‌های «فن‌آوری»، «سرمایه» و «بازار» را به‌ویژه از طرف‌های اروپایی، چینی، ژاپنی و سایر کشورها مطالبه کند. واضح است که با توجه به فرصت‌های عظیم بالقوه اقتصادی ایران، این مرادوات به قراردادهایی با انتفاع دوطرفه منجر خواهد شد. به علاوه، ایسن قراردادها برای طرف‌های مقابل، تضمینی نانوشتنه برای پایداری بهره‌مندی آن‌ها منابع جنوب غرب آسیا خواهد بود. بنابراین نمی‌توان آن را باج‌خواهی ایران تلقی کرد. با توجه به ظرفیت‌های عظیم بالقوه اقتصاد ایران، ورود فن‌آوری و سرمایه‌گذاری مورد نیاز و دست‌رسی به بازارهای جهانی، یک ضرورت برای تثبیت پیروزی راهبردی در این جنگ و اهرم‌کردن آن برای تبدیل ایران به یک قدرت جهانی خواهد بود و لازمی حصول امنیت پایدار در پس این جنگ خواهد بود.

در طراحی پایان‌بندی این جنگ، جمهوری اسلامی باید شناخت درستی از وضعیت کنونی و پویایی‌های اقتصاد ایران، اقتصاد منطقه‌ی جنوب غرب آسیا و اقتصاد جهان داشته باشد. در غیر این صورت، دچار خطای راهبردی خواهد شد. اقتصاد ایران از ابتدای دهه‌ی نود شمسی، به دلیل تحریم‌ها و افت نسبتاً پایدار قیمت نفت، به شدت آسیب دیده است. از یک سو، از ابتدای دهه ۱۳۹۰، سرمایه‌گذاری در ایران به شدت کاهش یافته است، به‌گونه‌ای که رشد موجودی سرمایه در سال‌های اخیر به صفر رسیده و در برخی حوزه‌ها منفی شده است. در نتیجه، رشد اقتصادی متوسط کشور به شدت کاهش یافت و ظرفیت و چشم‌انداز رشد اقتصادی نیز تیره است. اینکه آیا می‌توانیم پایان‌بندی جنگ را به‌گونه‌ای به دنیا تحمیل کنیم که متضمن کسب این امتیازات باشد، بستگی به جزئیات موازنه نظامی در میدان نبرد دارد و من آن را نمی‌دانم. آتسا، به نظر من، اگر این امتیازات به بهای طولانی‌شدن و تسعید درگیری و حتی آسیب به زیرساخت‌های ایران قابل دستیابی باشد، با نگاه به بلندمدت به آینده ایران، ارزشش را دارد. هرچند چنین توصیه‌هایی باید از زبانی برآید که خود، پیش و بیش از دیگران آمادگی پرداخت هزینه مالی و جانی آن را داشته باشد. امیدوارم که چنین باشد.

است و آمریکا مسئول کامل این جنایات خواهد بود. در نهایت، این قطعنامه با وجود کسب ۱۱ رأی موافق، به‌دلیل دو رأی مخالف و دو رأی متعصب به تصویب نرسید. چین و روسیه، به‌عنوان دو عضو دائم شورای امنیت و دارنده حق وتو، این قطعنامه را وتو کرد. نماینده روسیه در شورای امنیت سازمان ملل روز سه‌شنبه گفت بسا احترام به حق حاکمیت تمامی کشورها، حمله آمریکا به ایران را محکوم می‌کنیم.

وی اضافه کرد: «نادیده گرفتن دلیل اصلی بحران در خاورمیانه یعنی اقدامات خصمانه اسرائیل و آمریکا علیه ایران، غیرقابل قبول است.» واسیلی نینزا نماینده روسیه در شورای امنیت گفت: «پیش نویس قطعنامه ارائه شده در خصوص تنگه هرمز دارای بندهای نامتوازی بود و به همراه چین، پیش‌نویس را مطرح می‌کنیم که شامل امنیت دریانوردی باشد.»

فو تسونگ نماینده چین در سازمان ملل گفت که پیش‌نویس قطعنامه بحرین در مورد تنگه هرمز شامل محکومیت یکجانبه و اعمال فشار است. وی اظهار داشت: تصویب پیش‌نویس قطعنامه در مورد تنگه هرمز در حالی که واشنگتن تهدید به نابودی یک تمدن می‌کند، پیام اشتباهی ارسال خواهد کرد.



سال نهم شماره ۲۲۰۲
پنج‌شنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۵

تحلیل اقتصادی

جنگ طلا

بازار طلا چه شرایطی پیدا می کند؟

مهتا معرفت

خبرنگار سازندگی

در اوج تنش‌هایی که جهان را در حالت آماده‌باش نگه داشته بود، یک تصمیم ناگهانی از سوی دونالد ترامپ ورق را برگرداند. توقف موقت حملات به ایران نتهتها معادلات سیاسی را تغییر داد، بلکه موجی از واکنش را در بازارهای جهانی به راه انداخت. طلا، این پناهگاه همیشگی در روزهای نااطمینانی، بار دیگر در کانون توجه قرار گرفت و با جهشی قابل توجه، روایت تازه‌ای از پیوند سیاست و اقتصاد را رقم زد.

بازار جهانی طلا در پی تحولات سیاسی اخیر، واکنش قابل توجهی نشان داد و قیمت این فلز گرانبها با رشد چشمگیر به ۴,۸۱۹,۵۲ دلار در هر اونس رسید. این افزایش قیمت عمدتاً تحت تأثیر تصمیم ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، برای توقف موقت حملات نظامی به ایران به مدت دو هفته رخ داد؛ تصمیمی که فضای روانی بازارها را به‌طور محسوس‌ی تغییر داد. بر اساس گزارش رويترز، بازارها که در آغاز معاملات انتظار تشدید تنش‌ها را داشتند، با اعلام این توقف موقت، به سرعت ارزیابی خود از ریسک‌های ژئوپلیتیکی را بازنگری کردند. این تغییر در انتظارات باعث شد سرمایه‌گذاران بار دیگر به سمت دارایی‌های امن مانند طلا حرکت کنند. افزایش ۲.۵ درصدی قیمت طلا در ساعات ابتدایی معاملات و رسیدن آن به بالاترین سطح در سه هفته اخیر، نشان‌دهنده حساسیت بالای بازار به تحولات سیاسی است. تصمیم دولت آمریکا پس از آن اعلام شد که ایران یک پیشنهاد ۱۰ ماده‌ای برای آغاز مذاکرات ارائه کرده بود؛ پیشنهادی که از سوی ترامپ «عملی» توصیف شد. این تحول، سیگنال مثبتی به بازارها ارسال کرد و امیدها به کاهش تنش‌ها را افزایش داد، هرچند مقامات ایرانی تأکید کرده‌اند که این مذاکرات به معنای پایان کامل درگیری‌ها نیست. قرار است این گفت‌وگوها از ۱۰ آوریل در اسلام‌آباد آغاز شود. از منظر اقتصادی، کاهش موقت تنش‌ها باعث تعدیل نگرانی‌ها درباره اختلال در عرضه انرژی و جهش قیمت نفت شد. در شرایطی که افزایش قیمت انرژی می‌تواند به تورم جهانی دامن بزند، این تصمیم تا حدی فشارهای تورمی کوتاه‌مدت را کاهش داد. با این حال، طلا همچنان به عنوان یک دارایی پوششی در برابر نااطمینانی‌های اقتصادی و تورم مورد توجه باقی مانده است.

کارشناسان بازار معتقدند رشد اخیر قیمت طلا بیشتر یک واکنش کوتاه‌مدت به اخبار سیاسی است و تداوم آن به پایداری روند مذاکرات بستگی دارد. به گفته تحلیلگران، سطوح مقاومتی مهم برای طلا در محدوده ۴,۹۳۰ دلار (میانگین متحرک ۲۰۰ روزه) و سپس ۵,۰۰۰ دلار قرار دارد. عبور از این سطوح می‌تواند مسیر صعودی جدیدی برای این فلز گرانبها ایجاد کند.

در کنار طلا، سایر فلزات گرانبها نیز با افزایش قیمت مواجه شدند. نقره با رشد ۵.۸ درصدی به ۷۷.۱۶ دلار در هر اونس رسید، در حالی که پلاتین و پالادیوم به ترتیب ۴ و ۴.۶ درصد افزایش قیمت را تجربه کردند. این روند نشان می‌دهد که فضای کلی بازار به سمت دارایی‌های امن و ارزشمند متمایل شده است.

در مجموع، تحولات اخیر نشان می‌دهد که بازارهای جهانی همچنان به شدت تحت تأثیر ریسک‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی قرار دارند. هرگونه پیشرفت یا شکست در مذاکرات میان ایران و آمریکا می‌تواند جهت‌گیری آینده قیمت طلا و سایر دارایی‌ها را تعیین کند. در این میان، سرمایه‌گذاران با دقت تحولات سیاسی، داده‌های اقتصادی و تصمیمات بانک‌های مرکزی را دنبال می‌کنند تا استراتژی‌های خود را بر اساس شرایط جدید تنظیم کنند.

کوچه

بررسی رویدادهای اجتماعی

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتاعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیرنظرشورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقتاعی

مدیرهنری: رضا دولتزاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۴۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سه‌مم کودکان از جنگ

درباره غیرنظامی‌هایی که قربانی آتش جنگ شدند

گروه اجتماعی: با گذشت چند ساعت از برقراری آتش‌بس دو هفته‌ای میان ایران و آمریکا که از بامداد ۱۹ فروردین‌ماه آغاز شد، وزارت بهداشت تازمترین جمع‌بندی خود از پیامدهای انسانی و درمانی جنگ چهل‌روزه اخیر را منتشر کرده است؛ جنگی که از ۹ اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد و در طول بیش از یک ماه، علاوه بر بر جای گذاشتن صدها کشته و هزاران مجروح، بخش‌هایی از زیرساخت درمانی کشور را نیز درگیر آسیب‌های مستقیم کرد.

بر اساس آمار رسمی وزارت بهداشت، تا پیش از اعلام آتش‌بس، ۵۱۸ نفر همچنان در مراکز درمانی بستری بوده‌اند و در مقابل، ۳۰ هزار و ۲۰۵ نفر پس از دریافت خدمات درمانی از بیمارستان‌ها ترخیص شده‌اند؛ رقمی که از حجم بالای مراجعه مجروحان و مصدومان در هفته‌های گذشته حکایت دارد. در این مدت، هزار و ۲۵۲ عمل جراحی برای مجروحان انجام شده و همزمان بخش قابل توجهی از ظرفیت اورژانس و درمان کشور در وضعیت آماده‌باش مستمر قرار داشته است. در میان آمار منتشرشده، سه‌م کودکان و نوجوانان از تلفات انسانی، از مهم‌ترین بخش‌های این گزارش به شمار می‌رود. وزارت بهداشت اعلام کرده است که ۲۲۰ نفر از جان‌باختگان کمتر از ۱۸ سال سن داشته‌اند؛ در این میان، ۱۸ کودک زیر پنج سال نیز در شمار قربانیان ثبت شده‌اند. همچنین هزار و ۹۹۷ نفر از مجروحان کمتر از ۱۸ سال سن دارند و ۷۰ کودک زیر دو سال نیز در میان مصدومان دیده می‌شوند؛ آماری که نشان می‌دهد در جریان حملات، مناطق غیرنظامی و محل سکونت خانوارها نیز به‌طور مستقیم در معرض آسیب قرار گرفته‌اند.

گزارش

تهران؛ شهری که خم شد اما نشکست

روایت پایتخت از ۴۰ روز «بیم و امید» زیر باران آتش

با سهمی حدود یک‌سوم از کل خسارات کشوری، در صدر مناطق آسیب‌دیده قرار گرفت. از میان بیش از ۱۰۱ هزار واحد آسیب‌دیده در کل ایران، ۳۳ هزار و ۵۰۰ واحد سه‌م تهران بود. جزئیات عملیات بازسازی نشان می‌دهد که مدیریت شهری مسیر متفاوتی را برای جبران برگزیده است. عبدالملطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری، صراحتاً اعلام کرده است که «الگوی بازسازی بر مبنای پرداخت نقدی نیست». در واقع، شهرداری با حذف واسطه‌های مالی، مستقیماً از طریق تفاهم با پیمانکاران، بازسازی ۴ هزار و ۵۰۰ واحدی را که نیازمند تخریب و احداث مجدد یا مقاوم‌سازی جدی هستند، بر عهده گرفته است. ۱۳ هزار واحد نیز که آسیب‌های جزئی‌تری داشتند، در همان روزهای نبرد مرمت شده و به مالکان تحویل داده شدند. این رویکرد عملیاتی، مانع از شکل‌گیری بازار سیاه مصالح و سرگردانی مالکان در راهروهای اداری برای دریافت وام‌های خرد شد.

زندگی زیر سایه پافند؛ از کافه تا تجریش

اما تهران روزهای جنگ؟ پیش از آنکه با آمارها شناخته شود، با اتمسفر غریبش در یادها می‌ماند. پایتخت در این بازه زمانی، تضادی آشکار را تجربه کرد؛ آسمان صاف و هوای دلپذیر بهاری در کنار اضطراب شبانه. برخلاف انتظار، جنگ نتوانست کرکره زندگی شبانه را در تهران به طور کامل پایین بکشد. در حالی که برخی مناطق هدف حملات بودند، چند محله آن‌طرف‌تر، کافه‌ها و رستوران‌ها تا ساعاتی پیش از نیمه‌شب میزبان شهروندانی بودند که به دنبال سهمی از «زندگی نرمال» می‌گشتند. میدان تجریش، با همان جنب‌وجوش همیشگی، میوه‌های نوبرانه و بوی تند سبزی‌های بهاری، گویی جزیرهای بود که از جغرافیای جنگ جدا شده است. مردم با قدم زدن در پیاده‌راه‌ها، اگرچه بهت‌زده از اخبار، اما تسلیم فضای جنگ‌زدگی نمی‌شدند. این تضاد میان «بمباران شبانه» و «آرامش صبحگاهی»، خلصت منحصر‌به‌فرد تهرانی بود که نمی‌خواست ویران به نظر برسد.

تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی تهران قرار دارد، بیشترین میزان خسارت را متحمل شده است؛ به‌گونه‌ای که بازسازی آن نیازمند اعتبارات قابل توجه خواهد بود.

با این حال مسئولان درمانی تأکید دارند روند خدمت‌رسانی متوقف نشده است. به گفته رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران، برای مراکز آسیب‌دیده جایگزین در نظر گرفته شده و خدمات درمانی برای بیماران عادی و مجروحان جنگی بدون وقفه ادامه دارد. او همچنین تأکید کرده است که درمان مجروحان جنگی در مراکز تحت پوشش این دانشگاه به‌صورت رایگان انجام می‌شود.

در همین حال، وزیر بهداشت نیز در پیامی خطاب به کادر درمان کشور، از عملکرد بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، دانشگاه‌ها و نیروهای حاضر در ستادهای بحران قدردانی کرده و خواستار حفظ آمادگی کامل در دوره آتش‌بس شده است. در این پیام تأکید شده که اگرچه درگیری‌ها فعلاً متوقف شده، اما ترمیم آسیب‌ها، بازنگری در دستورالعمل‌ها و تأمین نیازهای درمانی همچنان باید با جدیت دنبال شود.

اکنون در نخستین ساعات پس از توقف درگیری‌ها، آمارهای رسمی تصویری روشن از ابعاد فشار واردشده بر نظام سلامت کشور ارائه می‌کند؛ فشاری که از یک سو در تعداد بالای مجروحان و کشته‌شدگان دیده می‌شود و از سوی دیگر در بیمارستان‌هایی که بخشی از ظرفیت خود را از دست داده‌اند، آمبولانس‌هایی که از مدار خارج شده‌اند و کادر درمانی که در طول چهل روز گذشته، همزمان با مدیریت بحران، خود نیز در معرض خطر مستقیم قرار داشته‌اند.

غرب ایران؛ ردیف دوم ایستادگی

اگرچه تهران و یرتین این مقاومت شهری بود، اما استان‌های غربی نیز فشاری مشابه و حتی در برخی شاخص‌ها سنگین‌تر را تحمل کردند. کرمانشاه با ۱۳ هزار واحد، کردستان با ۸ هزار و ایلام با ۷ هزار واحد آسیب‌دیده، در صف اول خسارات قرار داشتند. گزارش بنیاد مسکن تا ۱۳ فروردین نشان می‌دهد که در سراسر کشور بیش از ۶۰ هزار واحد نیاز به تعمیر و ۸۵۹ واحد نیاز به احداث مجدد دارند. در این میان، نقش نهادهای حمایتی نظیر بانک مسکن با تخصیص بودجه ۲ هزار میلیارد تومانی برای ودیعه مسکن (تا سقف ۷۰۰ میلیون تومان در شهرها)، تلاش کرد تا بار سنگین آوارگی را از دوش خانواده‌ها بردارد.

تهران؛ ایستاده در میانه آتش‌بس

اکنون که تهران در آرامش موقت آتش‌بس دو هفته‌ای نفس می‌کشد، می‌توان با دقت بیشتری به آنچه گذشت نگریست. موفقیت پایتخت در حفظ چهره شهری، تنها مدیون بودجه و لجستیک نبود؛ بلکه حاصل عملکرد دقیق نیروهای امدادی و خدماتی بود که اجازه ندادند «ترس» در سیمای فیزیکی شهر رسوب کند.

شهرداری تهران با اسکان موقت ۲۰۰۰ خانواده در هتل‌ها و مهمان‌پذیرها و در نظر گرفتن کمک‌هزینه اجاره، مانع از شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی و چادرهای اضطراری در پارک‌ها شد؛ تصویری که می‌توانست به سادگی چهره پایتخت را به یک اردوگاه بزرگ تبدیل کند. تهران امروز، اگرچه زخم خورده و در انتظار بازسازی هزاران واحد مسکونی است، اما همچنان با قامت ایستاده، ترافیک همیشگی و صدای زندگی در خیابان‌هایش، روایتگر شهری است که «عادی بودن» را به عنوان قدرتمندترین ابزار دفاعی خود برگزید. پایتخت از نهم اسفند تا نوزدهم فروردین، میان آتش و آوار، به جای ویرانی، «تداوم» را انتخاب کرد.